

دومین دوره مسابقات داوری تجاری سال ۱۳۹۵

لایحه دفاعیه خواهان در پاسخ به لایحه دفاعیه خواندگان محترم

کد گروه: JR984

❁ خواهان: شرکت سینباد کپیتال (با مسئولیت محدود)

❁ خواندگان: ۱- شرکت آینده سپید آریا نوین سفر (آسان سفر)؛ ۲- شرکت آتیه‌سازان آریا نوپا سیر (آسان سیر)؛ ۳- جناب آقای مهدی آئینه‌وند؛ ۴- جناب آقای احسان احمدیان؛ ۵- سرکار خانم سمیرا دهباشی

فهرست مطالب

شماره صفحه	عنوان
۲	بخش یک: دفاعیات شکلی در پاسخ به ایرادات شکلی خواندگان محترم
۲	نخست: اثبات صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران
۴	دوم: ایراد به عدم تعیین مبلغ خواسته دعوی متقابل مندرج در بند ۱۴ لایحه دفاعیه خواندگان
۵	سوم: اصلاح خواسته‌های مندرج در دادخواست داوری تقدیمی موکل
۵	چهارم: تعیین صحیح خواندگان دعوا
۹	بخش دو: دفاعیات ماهوی در پاسخ به ادعاهای مطرح شده توسط خواندگان محترم
۹	نخست: در خصوص بند ۷ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۹	دوم: در خصوص بند ۸ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۱	سوم: در خصوص بند ۹ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۲	چهارم: در خصوص بند ۱۰ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۳	پنجم: در خصوص بند ۱۱ لایحه دفاعیه خواندگان
۱۳	ششم: در خصوص بند ۱۲ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۴	هفتم: در خصوص بند ۱۳ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۵	هشتم: در خصوص بند ۱۴ لایحه دفاعیه خواندگان محترم
۱۸	فهرست منابع
۱۸	فهرست علائم اختصاری

به نام دادار دادگر

هیات محترم داوری مرکز داوری اتاق ایران

احتراما اینجانبان گروه شماره JR984 درخصوص پرونده کلاسه بایگانی و در پاسخ به لایحه دفاعیه خواندگان محترم و نیز در راستای دفاع از حقوق موکل، شرکت سینباد کپیتال (با مسئولیت محدود)، به شرح زیر، در مقام وکلای خواهان، دفاعیات خویش را در قالب دو بخش کلی به استحضار آن هیات محترم می‌رسانیم. بدین ترتیب در بخش یک دفاعیات شکلی و سپس در بخش دو دفاعیات ماهوی تقدیم می‌گردد.

بخش یک: دفاعیات شکلی در پاسخ به ایرادات شکلی خواندگان محترم

مقدمه:

در این بخش ابتدائاً اثبات می‌گردد که تنها مرجع صالح برای حل و فصل اختلافات برآمده از روابط قراردادی طرفین قراردادهای خرید سهم و قرارداد سهامداران، مرکز داوری اتاق ایران است. سپس پیش از پاسخ به سایر ادعاهای خواندگان محترم دو نکته مورد اشاره قرار می‌گیرد: ابتدا در راستای بند ۳ شق الف ذیل ماده ۶ قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران، ایراد به عدم ذکر مبلغ خواسته در دعوی تقابل اقامه شده توسط خواندگان طرح می‌گردد. سپس در راستای اعمال ماده ۴۱ قواعد مرکز، خواسته مندرج در بند ۲۱ دادخواست داوری اصلاح و تنجیز می‌گردد. آنگاه به سایر ایرادات شکلی خواندگان پاسخ داده خواهد شد. با این توضیح دفاعیات شکلی به شرح پیش‌رو است:

نخست: اثبات صلاحیت مرکز داوری اتاق ایران

بر مبنای استدلال‌های زیر، مرکز داوری اتاق ایران مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی حاضر است:

الف) درخصوص بند (۱) لایحه دفاعیه خواندگان

۱- قرارداد خرید سهم (به عنوان قرارداد مقدم) و قرارداد سهامداران (به عنوان قرارداد موخر)، دو قرارداد مرتبط با هم هستند. در واقع قرارداد سهامداران (Shareholder Agreement) به منظور تشریح روابط حقوقی و تبیین حقوق و تعهدات طرفین قرارداد خرید سهم منعقد شده است و به همین جهت هر کدام از مواد قرارداد سهامداران بصورت مستقیم و غیرمستقیم با قرارداد خرید سهم ارتباط می‌یابد. اگر قرارداد خرید

سهام منعقد نشده بود، انعقاد قرارداد سهامداران، عمل حقوقی لغوی بود؛ زیرا که به موجب قرارداد خرید سهم، شرکت موکل، سهامدار شرکت محترم خوانده ردیف اول شده است. از این روی قصد طرفین دو قرارداد یادشده در ارجاع اختلاف به مرکز داوری اتاق ایران به شیوه‌های زیر قابل استنباط است:

۱-۱- در ماده ۱۲ قرارداد خرید سهم و نیز ماده ۱۴ قرارداد سهامداران، طرفین صراحتاً توافق نمودند تا کلیه اختلافات برآمده از هر دو قرارداد را به داوری ارجاع دهند؛ بعبارت دیگر شرط حل و فصل اختلافات در هر دو قرارداد درج گشته است. هرچند در قرارداد خرید سهم، داور یا داوران و یا سازمان داوری صراحتاً تعیین نشده است؛ اما طرفین در قرارداد سهامداران به عنوان قرارداد ثانویه و مبین رابطه حقوقی پایه، منظور اصلی خود از کاربرد لفظ «داوری» ذکرشده در قرارداد خرید سهم را تشریح نمودند. بدین ترتیب منظور از «داوری» در ماده ۱۲ قرارداد خرید سهم، همانا «مرکز داوری اتاق ایران» مذکور در ماده ۱۴ قرارداد سهامداران می‌باشد. بعبارت دیگر، طرفین اجمال موجود در شرط حل و فصل اختلافات مندرج در قرارداد خرید سهم (قرارداد مقدم) را با تفصیل و تصریح این شرط در قرارداد سهامداران (قرارداد مؤخر) برطرف نموده‌اند.

۱-۲- قرارداد سهامداران به عنوان قرارداد ثانویه، اراده موخر طرفین هر دو قرارداد می‌باشد. هر دو طرف با علم به اینکه مقتضای ذات قرارداد دوم (قرارداد سهامداران)، تشریح حقوق و تعهدات طرفین قرارداد اول (قرارداد خرید سهم) می‌باشد، مرجع رسیدگی به اختلافات را تعیین نموده‌اند. بنابراین با توجه به رابطه مبنایی این دو قرارداد و کاربرد لفظ «داوری» در هر دو قرارداد، اگر طرفین بنا داشتند تنها اختلافات برآمده قرارداد دوم را به داوری مرکز داوری اتاق ایران ارجاع دهند صراحتاً در این زمینه توافق می‌نمودند.

۲- طرفین موافقت‌نامه داوری با توافق بر ماده ۱۲ قرارداد سهامداران به عنوان قرارداد موخر، با کاربرد الفاظ عام و آدات جمع مانند «کلیه»، «اختلافات» و «دعای» قصد داشته‌اند تمام اختلافات برآمده از این قرارداد و نیز قرارداد خرید سهم را نیز به مرکز داوری اتاق ایران ارجاع دهند؛ زیرا اختلافات برآمده از قرارداد سهامداران، بصورت مستقیم و غیرمستقیم برآمده از نقض تعهدات قرارداد خرید سهم نیز می‌باشد، بگونه‌ای که داوران برای حل و فصل اختلافات برآمده از نقض تعهدات قراردادی مندرج در قرارداد سهامداران، ناگزیر به مواد قرارداد خرید سهم مراجعه می‌نمایند. ارتباط جدایی‌ناپذیر این دو قرارداد و لزوم تفسیر مواد قرارداد

اول (به عنوان قرارداد مقدم) در پرتو مواد قرارداد دوم (به عنوان قرارداد موخر) قصد واقعی طرفین برای حل و فصل اختلافات توسط مرکز داوری اتاق ایران را آشکارتر از پیش می‌سازد.

۳- خوانندگان محترم در بند (۱۴) لایحه دفاعیه خویش به طرح دعاوی متقابل به طرفیت شرکت موکل مبادرت نموده‌اند. (بلاوجه بودن ادعای خوانندگان در این قسمت در بخش دوم به تفصیل مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.) بدیهی است اقامه یک دعوی تمام عیار در مقام دفاع توسط خوانندگان نزد مرکز داوری اتاق ایران بطور ضمنی به معنای پذیرش صلاحیت این سازمان داوری در رسیدگی به اختلافات برآمده از هر دو قرارداد است.

ب) درخصوص بند (۲) لایحه دفاعیه خوانندگان

۴- طرفین موافقت‌نامه داوری در ماده ۱۴ قرارداد سهامداران، صراحتاً بر قواعد مرکز به عنوان قانون شکلی حاکم بر اختلاف توافق نموده‌اند. در همین راستا بند «ت» ماده ۳۵ قواعد داوری این مرکز مقرر می‌دارد: «مراجعه به محاکم دادگستری و درخواست دستور موقت در موارد استثنایی، قبل از داوری یا حین داوری به معنای عدول و نقض موافقت‌نامه داوری نیست و مانع رسیدگی داوری نخواهد بود». در پرونده حاضر نیز شرکت موکل با توجه به فوریت امر و لزوم بکارگیری دادرسی فوری جهت جلوگیری از ورود خسارات بیشتر ناشی از نقض تعهدات قراردادی خوانندگان محترم، ناگزیر از مراجعه به محاکم دادگستری بوده است. این امر به معنای عدول از موافقت‌نامه داوری نمی‌باشد و مراجعه بعدی به مرکز داوری، اماره‌ای بر بقای شرکت موکل به عنوان یکی از طرفین این موافقت‌نامه بر ارجاع اختلافات به داوری یادشده در قرارداد است.

دوم: ایراد به عدم تعیین مبلغ خواسته دعاوی متقابل مندرج در بند ۱۴ لایحه دفاعیه خوانندگان

۵- هرچند در «داوری» تقویم خواسته به معنای بکاربرده شده در قانون آیین دادرسی مدنی موضوعیت ندارد؛ اما این امر خوانندگان را از تعیین ارزش واقعی خواسته و پرداخت هزینه‌های داوری بر این مبنا بی‌نیاز نمی‌سازد. از این روی خوانندگان محترم که در بند ۱۴ لایحه دفاعیه خویش، با طرح ادعاهایی نسبت به اقامه دعاوی تقابل اقدام نموده‌اند؛ موظف‌اند مستنداً به بند ۳ شق الف ذیل ماده ۶ قواعد مرکز «مبلغ خواسته‌های» خود را ذکر نمایند. لذا مادامی که نسبت به رفع این نقایص اقدامی ننمایند، مشمول ضمانت‌اجرای ذکرشده در تبصره ذیل این ماده هستند.

سوم: اصلاح خواسته‌های مندرج در دادخواست داوری تقدیمی موکل

۶- مبلغ خواسته‌های مندرج در بندهای ۱۹، ۲۰ و ۲۲ دادخواست داوری ذکر می‌گردد. در همین راستا خواسته طرح شده در بند ۱۹ به مبلغ ۹۰۰۰۰۰ یورو، بند ۲۰ به مبلغ ۱۲۶۲۶۰۰۰۰۰۰ ریال و بند ۲۲ به مبلغ ۴۶۵۲۷۲۰۰۰۰ ریال تعیین می‌گردد.

۷- با استناد به مواد ۳۹ و ۴۱ قواعد مرکز، مادامی که قرارنامه داوری میان طرفین تنظیم و امضاء نشده‌است، آنان می‌توانند ادعاها یا دفاعیات خود را اصلاح نمایند. در همین راستا خواسته مندرج در بند ۲۱ دادخواست داوری، به منظور تنجیز بدین شرح اصلاح می‌گردد: «ابطال تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت آسان سفر مبنی بر انحلال این شرکت به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰ ریال»

چهارم: تعیین صحیح خوانندگان دعوا

الف) در خصوص بند (۳) لایحه دفاعیه خوانندگان

۸- صرف نظر از اینکه شرکت سهامی در طول مدت تصفیه، شخصیت حقوقی خود را حفظ می‌کند باید به این نکته اشاره نمود که صلح اموال شرکت آسان سفر به شرکت آسان سیر در باطن، نوعی ادغام این دو شخصیت حقوقی است. با همه این اوصاف ایراد به عدم اقامه دعوا به طرفیت مدیر تصفیه در دعوی حاضر در فروض دوگانه زیر به شرح آتی قابلیت استماع ندارد:

۱-۸- فرض اول: عدم لزوم تعیین مدیر تصفیه در ادغام‌های واقعی

هرچند در نظام حقوقی ایران در زمینه لزوم یا عدم لزوم تعیین مدیر تصفیه در فرض انحلال شرکت سهامی به منظور ادغام در شرکت موجود دیگری صراحتی به چشم نمی‌خورد؛ اما حتی در فرض سکوت قانونگذار نیز دکترین حقوقی موجود با توجه به نظام حقوقی آمریکا و نیز انگلیس، این سکوت را به عدم لزوم تعیین مدیر تصفیه تفسیر می‌نمایند. با توجه به اینکه ادغام صورت گرفته در پرونده حاضر نیز از اقسام ادغام واقعی^۱ است که در آن لزومی به طی فرآیند تصفیه وجود ندارد^۲ و تنها شخصیت حقوقی مدغم جذب شرکت تجاری

^۱ - ادغام واقعی نوعی از ادغام است که در آن به موجب عقد بیع یا سایر عقود مملک، اموال و دارایی‌های یک شرکت توسط شرکت موجود دیگری خریداری می‌گردد.

^۲ - عیسایی تفرشی، محمد، بیگی حبیب‌آبادی، احمد، «تعریف و ماهیت حقوقی ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۷، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰، ص ۸۶.

دیگر می‌گردد و کلیه حقوق و تعهدات آن به شرکت جدید منتقل می‌شود، ضرورتی به تعیین مدیر تصفیه احراز نمی‌گردد. کماینکه در پرونده حاضر نیز هیچ‌گونه مستندی از ناحیه خواندگان مبنی بر تعیین مدیر تصفیه‌ای که لازم است علیه وی اقامه دعوا گردد و مشخصات وی ارائه نشده است.

۸-۲- فرض دوم: پذیرش لزوم تعیین مدیر تصفیه در ادغام واقعی

در فرض حاضر نیز همچنان موکل هیچ‌گونه الزامی به اقامه دعوا علیه مدیر تصفیه ندارد زیرا:

۸-۲-۱- قانونگذار در ماده ۴۱۹ قانون تجارت و در باب ورشکستگی به لزوم اقامه دعوا به طرفیت مدیر تصفیه اشاره نموده است. این تکلیف قانونی، ناظر بر فرض تعیین مدیر تصفیه به علت «ورشکستگی» است؛ درحالی‌که در پرونده حاضر مدیر تصفیه به علت تحقق انحلال اختیاری شرکت سهامی تعیین شده است. بدیهی است تعیین مدیر تصفیه در فرض «ورشکستگی» با تعیین مدیر تصفیه در فرض «انحلال اختیاری شرکت سهامی» متفاوت است. از این روی قانونگذار در بخش ۹ ناظر بر انحلال و تصفیه و نیز در ماده ۲۱۲ لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، به لزوم اقامه دعوا به طرفیت مدیر تصفیه اشاره‌ای ننموده است؛ درحالی‌که قانونگذار در مقام بیان بود و می‌توانست پس از بیان نمایندگی مدیر تصفیه، همانند مبحث ورشکستگی، به لزوم اقامه دعوا به طرفیت مدیر تصفیه اشاره نماید. همچنین مفهوم و منطوق نص ماده ۲۱۲ لایحه یادشده، صرفاً ناظر بر اقامه دعوا توسط مدیر تصفیه یا ارجاع اختلاف به داوری، سازش یا دفاع در مقابل ادعا پس از بروز اختلاف است. بنابراین باتوجه به اینکه لزوم اقامه دعوا علیه شخصی غیر از طرفین اصلی قراردادها و قائم‌مقام قانونی آنها، امری خلاف اصل بوده؛ لازم است در حدود نص تفسیر گردد و نمی‌توان با قیاس مع‌الفارق دایره مضیق نص را توسیع نمود. بنابراین دعوای حاضر بدون نیاز به طرف قراردادان مدیر تصفیه و به کیفیت مطروحه صحیحاً اقامه شده است.

۸-۲-۲- موافقت‌نامه داوری، قراردادی مشمول قواعد عمومی قراردادها است و یکی از اصول اساسی حاکم بر آن، اصل نسبی بودن قراردادها می‌باشد. بدین ترتیب از یک طرف نمی‌توان مدیر تصفیه‌ای را که طرف موافقت‌نامه داوری نبوده است به داوری فراخواند مگر اینکه طرفین و مدیر تصفیه توافق مکتوب دیگری در این زمینه ترتیب دهند که در حال حاضر چنین توافقی وجود ندارد. از طرف دیگر نمی‌توان با استناد به قواعد حقوقی حاکم بر قائم‌مقامی نیز لزوم اقامه دعوا به طرفیت مدیر تصفیه را توجیه نمود؛ زیرا قائم‌مقامی متفاوت

از نمایندگی و اخص از آن است. قائم‌مقام کسی است که بطور مستقیم یا بوسیله نماینده خود در انعقاد قرارداد شرکت نداشته اما به سبب انتقال حقی از دارایی یکی از دو طرف به او از عقد متاثر می‌گردد.^۳ چنین تعریفی قابل تسری به مدیرتصفیه به عنوان نماینده نیست. بنابراین باتوجه به استثنایی بودن اقامه دعوا علیه شخصی غیر از طرفین قرارداد، جز در مواردی که قانونگذار صراحتاً مقرر داشته است لزومی به اقامه دعوا به طرفیت مدیرتصفیه وجود ندارد.

۳-۲-۸- هرچند بنا بر استدلال‌های پیش‌گفته لزومی به اقامه دعوا به طرفیت مدیرتصفیه احراز نمی‌گردد؛ لازم است وکیل محترم خواندگان سمت خویش را از ناحیه مدیرتصفیه، به عنوان نماینده شرکت در حال تصفیه، دریافت نماید؛ درحالی‌که در وکالت‌نامه پیوست لایحه دفاعیه خواندگان، چنین تفویض سمتی مشاهده نمی‌شود. به عبارت دیگر استدلال و ایراد خواندگان محترم در عدم اقامه دعوا به طرفیت مدیرتصفیه، تنها علیه خود ایشان قابل استناد است؛ زیرا برخلاف این موضوع که هیچ‌گونه الزام قانونی به اقامه دعوا به طرفیت مدیرتصفیه شرکت سهامی در حال تصفیه در بخش ۹ و نیز ماده ۲۱۲ لایحه وجود ندارد، صراحت غیرقابل انکاری مبنی بر لزوم انعقاد قراردادها و دفاع در مقابل ادعاها توسط مدیر تصفیه مشاهده می‌گردد که به موجب آن لازم است مدیر تصفیه، به نمایندگی از شرکت در حال تصفیه، نسبت به انعقاد قرارداد وکالت با وکیل محترم خواندگان اقدام نماید. این درحالی است که امور موضوعی پرونده حاکی از امر دیگری می‌باشد. بنابراین سمت وکیل محترم خواندگان نسبت به شرکت آسان سفر و دفاع از ناحیه این شرکت شدیداً مورد تردید است.

ب) درخصوص بند (۴) لایحه دفاعیه خواندگان

۹- شرکت محترم آسان سیر به عنوان یکی از طرفین قرارداد صلح با شرکت آسان سفر و اقامه دعوای ابطال این قرارداد به طرفیت وی، به شرح استدلال‌های موجود در بندهای زیر یکی از اصحاب دادرسی محسوب می‌گردد.

۹-۱- شرکت محترم آسان سیر، قائم‌مقام قراردادی شرکت آسان سفر است. پس از ادغام شرکت آسان سفر در شرکت آسان سیر و انتقال کلیه اموال و دارایی‌های شرکت یادشده به شرکت آسان سیر در قالب عقد

^۳ - کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی (قرارداد و ایقاع)، چاپ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴.

صلح، کلیه تعهدات شرکت آسان سفر به شخصیت حقوقی جدید منتقل می‌شود؛ در غیر اینصورت ادغام شرکت‌ها و نقل و انتقال اموال به ابزاری جهت تضييع حقوق اشخاص طرف قرارداد با شرکت مدغم تبدیل می‌گردد. مضافاً براینکه انحلال شخصیت حقوقی شرکت آسان سفر، اختیاری بوده است. یکی از انواع قراردادهایی که شرکت آسان سفر منعقد نموده است و با انتقال قراردادهای شرکت آسان سیر، موقعیت قراردادی آن منتقل شده است، موافقت‌نامه داوری است. لذا درج شرط داوری در هر دو قرارداد خرید سهم و نیز قرارداد سهامداران و لزوم مراجعه به این مرجع جهت حل و فصل اختلافات به شرکت منتقل‌الیه نیز منتقل می‌گردد و شرکت آسان سیر به قائم‌مقامی شرکت آسان سفر ملتزم به پاسخگویی در مقابل شرکت موکل در مرجع داوری است. مضافاً بر اینکه این مهم با اصل نسبی بودن قرارداد داوری نیز در تعارض نخواهد بود؛ زیرا مفاد این اصل حاکی از آن است که هر قرارداد، از جمله موافقت‌نامه داوری یادشده، نسبت به طرفین و قائم مقام قراردادی آنها مؤثر خواهد بود.

۲-۹- قانونگذار در ماده ۴۸۱ قانون آیین دادرسی مدنی و در مقام بیان مواردی که داوری از بین می‌رود از «انتقال قرارداد» نامی نمی‌برد. این بدان معناست که داوری در فرض انتقال قرارداد پابرجا می‌ماند. این امر تنها در صورتی امکانپذیر است که قرارداد داوری به قائم‌مقامی منتقل‌الیه ادامه یابد؛ در غیر اینصورت با تحقق این ادغام شرط داوری زائل می‌گشت. با توجه به اصل لزوم قراردادهای و نیز اصل استحکام معاملات، در شرایطی که شخص حقوقی دیگری جانشین شخص حقوقی اول شود، موافقت‌نامه داوری به وسیله شخص حقوقی جانشین ادامه می‌یابد و این شخص جدید ملتزم به مفاد قراردادهای یادشده و نیز شرط داوری ذیل آن است. بدین ترتیب اقامه دعوا به طرفیت شرکت آسان سیر به عنوان قائم‌مقام قراردادی شرکت آسان سفر صحیح بوده است.

در ادامه و پس از بیان دفاعیات شکلی، در راستای دفاع از حقوق موکل، دفاعیات ماهوی به شرح آتی تقدیم می‌گردد:

بخش دو: دفاعیات ماهوی در پاسخ به ادعاهای مطرح شده توسط خوانندگان محترم

مقدمه:

در پاسخ به هر بند از لایحه دفاعیه خوانندگان محترم، دفاعیات ماهوی به شرح زیر در هشت بند تقدیم می‌گردد و بدین گونه آشکار می‌شود آنچه خوانندگان محترم اظهار می‌دارند فاقد هرگونه وجاهت قانونی است:

نخست: در خصوص بند ۷ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم

۱۰- قرارداد خرید سهم و قرارداد سهامداران هر دو از جمله قراردادهای معاوضی هستند. از این روی عوضین هر کدام از این قراردادها در مقابل هم قرار می‌گیرد؛ این درحالی است که شرکت موکل در مقابل پرداخت قسط اول ثمن معامله، یعنی ۳۰۰ هزار یورو از هیچ‌گونه از حقوق و امتیازات سهامداری برخوردار نشده - از جمله شرکت موثر در جلسات هیات مدیره، اعمال حق رای، شرکت در افزایش سرمایه شرکت و مانند آن - و این امر تعادل عوضین قراردادی را برهم زده است. بنابراین استناد به ماده ۶.۳ قرارداد خرید سهم در پاراگراف ۷ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم قابل اعتنا نیست و خوانندگان تنها زمانی می‌توانند از بابت حقوق مندرج در این ماده ادعایی داشته باشند که نسبت به ایفای تعهدات قراردادی خویش در مواعد تعیین شده اقدام نموده باشند به نحوی که از نقض تعهد قراردادی آنان شرکت موکل متحمل زیان نشود.

دوم: در خصوص بند ۸ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم

۱۱- عدم بکارگیری تلاش کافی و مساعی با حسن نیت در تنظیم سند رسمی وکالت:

۱۱-۱- باتوجه به این که شرکت آسان سفر در قالب شرکت سهامی خاص و تحت قوانین و مقررات حاکم در ایران ثبت و تشکیل شده است، فرض بر آن است که این شرکت و کلیه سهامداران آن از تمامی قوانین و مقررات لازم‌الاجرا مطلع می‌باشند. بنابراین از یک طرف سهامداران این شرکت حین انعقاد قرارداد، یا باید لازمه قانونی «اعطای وکالت در قالب سند رسمی» را بدانند یا فرض بر آن است که می‌دانند. از طرف دیگر این شرکت به عنوان «شخص حرفه‌ای» نمی‌تواند خود را از مسئولیت حقوقی عدم بکارگیری تمام تلاش خویش در تدارک تشریفات انتقال مورد معامله برهاند. لزوم برخورد سخت‌گیرانه با «شخص حرفه‌ای» در نظام‌های حقوقی دنیا بی‌سابقه نیست. از جمله قانون مدنی فرانسه از ماده ۱۶۴۵ به بعد چنین رویه‌ای را اتخاذ نموده است. در نظام حقوقی ایران نیز علاوه بر قوانین خاصی مانند قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو

مصوب ۱۳۸۶، قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸، قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲ و مانند آن، می‌توان «حرفه‌ای بودن» را حداقل اماره قضایی موضوع مواد ۱۳۲۱ و ۱۳۲۴ قانون مدنی دانست^۴ و علم و اطلاع خوانندگان محترم به لزوم تنظیم قرارداد وکالت در قالب سند رسمی را احراز نمود. بنابراین حسن‌نیت ایجاب می‌نمود در دوره پیش از انعقاد قرارداد و نیز حین انعقاد قرارداد، ضمن مطلع ساختن شرکت موکل، مقدمات انتقال رسمی سهام خریداری‌شده به وی را فراهم آوردند.

۱۱-۲- همچنین، علاوه بر آنچه که ذکر شد، با توجه به مفهوم «تسلیم» مندرج در مواد ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون مدنی و نیز لزوم تدارک مقدمات تحقق تسلیم و تحمل مخارج آن توسط فروشنده مندرج در ماده ۳۸۱ همان قانون، این وظیفه قانونی و تعهد قراردادی خوانندگان است که مقدمات لازم جهت انتقال سهام به موکل را فراهم آورند و در این راه ملتزم‌اند نهایت تلاش و کوشش خود را بکار بندند؛ حال آن‌که نه تنها چنین مقدمه واجبی در موعد مقرر فراهم نشده است، بلکه خوانندگان با سوءاستفاده از موقعیت مسلط اطلاعاتی خود به جهت اشراف بر قوانین و مقررات داخلی، مانع انتقال قانونی مورد معامله به شرکت موکل شدند که در نتیجه آن انتقال سهام پس از گذشت مدت زمان طولانی و پس از پیگیری‌های مستمر موکل صورت گرفت. این امر پیامدهای زیان‌باری را برای موکل به همراه داشته‌است.

۱۲- مدلل نبودن امر موضوعی «عدم حضور موکل در دفتر اسناد رسمی»:

خوانندگان محترم در رد خواسته موکل مبنی بر «مطالبه خسارت تاخیر در انتقال سهام» به عدم حضور موکل در دفتر اسناد رسمی استناد نموده‌اند؛ اما این ادعا را بواسطه «گواهی عدم حضور» مدلل نکرده‌اند؛ بلکه صرفاً به ادعاهای واهی تمسک نموده‌اند. این درحالی است که طبق قاعده فقهی-حقوقی «البینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» لازم بود دلیل این امر را پیوست می‌نمودند. همچنین این ادعا خلاف ظاهر منطبق بر واقع است؛ زیرا شرکت موکل به‌عنوان ذی‌نفع اصلی تنظیم سند رسمی، همواره به دنبال طی تشریفات قانونی انتقال بوده‌است و اظهارنامه مورخ ۱۳۹۰/۰۴/۱۸ نیز قرینه‌ای بر اراده باطنی شرکت موکل و دلیل مثبت و متقنی در راستای اثبات این ظاهر است. بنابراین ادعای بلاوجه و غیرمستند خوانندگان محترم تاب معارضه با اصله‌الظهور مجرا به نفع موکل را ندارد.

^۴ - کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰، ص ۲۴۲.

۱۳- مدلل نبودن امر موضوعی «اطلاع موکل از زمان و مکان تنظیم سند رسمی وکالت»:

خوانندگان محترم در راستای ایفای تعهدات خویش باید اطمینان حاصل نمایند که خریدار مطلع شده و قادر بر حضور در زمان و مکان ادعایی تعیین شده از جانب آنان برای تنظیم سند رسمی قرارداد وکالت است و در این راه از هیچ‌گونه کوششی مضایقه ننمایند. این درحالی است که خوانندگان در لایحه خود بصورت بسیار گنگ و مبهم و بدون ارائه دلیل مثبتی، مدعی «اعلام قبلی مکتوب» به شرکت موکل شده‌اند و مشخص نیست که اساساً این اعلام مکتوب در چه قالبی انجام شده است؟ همچنین حتی در فرض صحت اظهارات ایشان مبنی بر اعلام قبلی مکتوب، که مورد انکار موکل می‌باشد، ایشان هیچ مدرکی برای اثبات اطلاع شرکت موکل از این اعلام مکتوب ارائه ننموده‌اند؛ لذا مادامی که دلیلی بر این امر اقامه ننمایند، اصل بر عدم علم و اطلاع شرکت موکل از چنین مکتوبی است. بدیهی است شرکت موکل ذی‌نفع اصلی انتقال رسمی سهام به خود بوده و از آنجا که اعمال کلیه حقوق سهامداری وی منوط به این انتقال بوده است، در فرض اطلاع یقیناً جهت حضور در زمان و مکان تعیین شده اقدام می‌نمود.

سوم: در خصوص بند ۹ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم

۱۴- منظور از حضور در جلسات هیات مدیره، صرفاً حضور فیزیکی و مادی نیست؛ بلکه منظور حضور موثر حقوقی جهت اعمال حقوق مدیریتی است.^۵ بر «حضور» که به موجب آن شرکت موکل نتواند در تصمیم‌گیری‌ها نقش داشته باشد و از حق رای و اعمال اراده و اختیار، به نسبت حق رای خود، برخوردار نباشد قانوناً اثری مترتب نیست. بدیهی است با توجه به نوع سرمایه‌گذاری شرکت موکل در شرکت خوانده، هیچ‌گاه قصد متعاقبین آن نبوده است که موکل صرفاً در جلسات هیات مدیره حضور فیزیکی داشته باشد؛ هرچند ذیل صورت‌جلسات را نیز امضا کرده باشد. مفاد صریح ماده ۵.۲ قرارداد خرید سهم نیز که به «انتقال دانش مدیریتی در حوزه کسب و کار» به شرکت سرمایه‌پذیر دلالت می‌نماید قرینه‌ای دیگری از قصد طرفین در همین راستا است. علاوه بر این، ماده ۹ قرارداد خرید سهم نیز که ناظر بر حضور یک نفر از اعضای پیشنهادی شرکت موکل در هیات مدیره شرکت خوانده است نیز تأکید دیگری بر این موضوع است که منظور از حضور در جلسات هیات مدیره، اعمال حقوق مدیریتی شرکت موکل، می‌باشد. زیرا هیات مدیره

^۵ OECD, International Investment Perspectives, Freedom of Investment in the Changing World, OECD, 2007, p.20.

عملیات اداره یا مدیریت شرکت را برعهده دارد. بنابراین ضمن اینکه «بطور غیررسمی صاحب رای بودن» فاقد بار معنایی و حقوقی است بر این نکته تاکید می‌گردد که با نقض تعهد قراردادی خوانندگان دایر بر تنظیم سند رسمی وکالت، شرکت موکل از اعمال حقوق خود در این بازه زمانی محروم بوده است.

چهارم: در خصوص بند ۱۰ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم

۱۵- بنای ضمنی طرفین از درج شرط «پیشنهاد عضو هیات مدیره توسط شرکت سینباد» صرف پیشنهاد نبوده است؛ زیرا اگر اینطور بود دیگر لزومی به درج چنین شرطی وجود نداشت و مقررات لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ که شرایط و نحوه انتخاب اعضای هیات مدیره را بیان نموده است، مُجرا بود. بنابراین تنها اثر درج چنین شرطی، انتصابی است که درون پیشنهاد نهفته است. عبارت بکار برده شده در این زمینه در قرارداد حاضر نیز مفید این معناست: «یک نفر از سه نفر همواره به پیشنهاد سینباد انتخاب می‌گردد». اگر بنا بود که سینباد صرفا پیشنهاد دهد دیگر لزومی به ذکر واژه «انتخاب» نبود. بنابراین باتوجه به فرض قانونی علم خوانندگان از قوانین و مقررات حاکم بر شرکتهای تجاری در ایران و عدم لزوم توافق مستقلی پیرامون نحوه انتخاب اعضای هیات مدیره، این نتیجه حاصل می‌شود که تنها اثر مدنظر طرفین از درج چنین شرطی همانا پیشنهاد همراه با نتیجه انتخاب بوده است. بنابراین تعهد خوانندگان در این زمینه تعهد به نتیجه می‌باشد که با عدم رعایت حسن نیت از جانب ایشان، نقض شده است.

۱۶- حتی در فرضی که ادعای خوانندگان مبنی بر اجرای مفاد ماده ۱۰۸ لایحه پذیرفته شود باز هم نقض تعهد قراردادی خوانندگان محرز است. توضیح اینکه به موجب مفاد ماده ۹ قرارداد سهامداران، خوانندگان بصورت فعل مثبت حقوقی تعهد نموده‌اند به نماینده شرکت سینباد جهت عضویت در هیات مدیره رای مثبت دهند. در غیر اینصورت لزومی به درج چنین ماده‌ای در قرارداد وجود نداشت و از عبارات کاربردی طرفین و قصد مشترک آنان چنین برمی‌آید که سهامداران انتقال‌دهنده سهام تعهد نموده‌اند به نماینده معرفی شده شرکت سینباد جهت حضور در هیات مدیره رای مثبت دهند و نیز رای مثبت سایر سهامداران را نیز جلب نمایند. این تعهد (مستقلا نسبت به خوانندگان) و نیز «تعهد به فعل ثالث» مبنی بر اعطای رای مثبت به نماینده سینباد (توسط سهامداران دیگری غیر طرفین قراردادهای دوگانه مذکور) قانونا تعهدات

صحیحی هستند و خدشه‌ای بر آنها وارد نمی‌گردد. از این رو «انتخاب‌نشدن» نماینده سینباد آشکارا نقض تعهد قانونی خواندگان است.

پنجم: در خصوص بند ۱۱ لایحه دفاعیه خواندگان

۱۷- شرکت سینباد هیچ‌گاه از پیشنهادات شرکت انگلیسی مورد ادعا مطلع نبوده است و خواندگان هیچ‌گونه دلیل مثبتی بر این اطلاع ارائه ننموده‌اند؛ حال آنکه اگر خواندگان به علم و اطلاع شرکت موکل استناد می‌نمایند لازم است دلیل آن را نیز پیوست نمایند. بدیهی است دلیل قانونی متقن همانا صورت‌جلسات هیات مدیره است که قدر متیقن آن حاکی از طرح این پیشنهاد در هیات مدیره و در سطح مدیران است که آنگاه شرکت موکل می‌توانست با اعمال حق حاکمیت شرکتی خود از آن پیشنهادات مطلع گردد. بنابراین پیشنهاد مورد ادعا در فرض وجود نهایتاً پیشنهاد شفاهی بوده است که در صورت عدم ارائه دلیلی مغایر از جانب ایشان، اصل عدم علم و اطلاع شرکت موکل از مفاد آن است.

۱۸- تصمیمات در شرکت‌های سهامی به موجب مواد مختلف لایحه حسب مورد با حد نصاب معینی اتخاذ می‌گردد. بنابراین حتی بر فرض اینکه شرکت موکل با این انتقال مخالفت کرده باشد، این مخالفت تنها در قالب اعمال حق رای وی و صرفاً به همان میزان موثر است و نافی حق سایر سهامداران برای موافقت با انتقال نیست. همچنین حتی بر فرض مخالفت شرکت موکل نیز، این شرکت تنها حقوق خود در راستای مدیریت شرکت به عنوان بخشی از سهامداران را اعمال نموده است. این اعمال حق که قانوناً به رسمیت شناخته شده است برای شرکت موکل مسئولیت قانونی به همراه نمی‌آورد.

ششم: در خصوص بند ۱۲ لایحه دفاعیه خواندگان محترم

۱۹- به موجب ماده ۷۲ لایحه، مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود. همچنین طبق ماده ۱۲۰ لایحه، رئیس هیات مدیره موظف است مجمع عمومی صاحبان سهام را در مواردی که هیات مدیره مکلف به دعوت آنان است، دعوت نماید. بنابراین مجمعی از منظر قانونی تشکیل شده محسوب می‌گردد که تمام سهامداران صرف‌نظر از اینکه در مجمع حضور یابند یا خیر، همگی جهت حضور و اتخاذ تصمیم دعوت شده باشند. بنابراین لازم است اطلاعیه دعوت مجمع عمومی صاحبان سهام به طرق مقتضی پیش‌بینی شده در قانون منتشر شده و این موضوع به اطلاع تمام سهامداران برسد. طبق ماده ۹۷

لایحه، در کلیه موارد دعوت صاحبان سهام برای تشکیل مجامع عمومی باید از طریق روزنامه کثیرالانتشاری که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد به عمل آید. به عبارت دیگر «مقدمه واجب، واجب است». در پرونده حاضر چنین دعوتی به عمل نیامده است و مستند قانونی این دعوت نیز پیوست نشده است. بدین ترتیب تصمیمات متخذه توسط مجمع عمومی که صحیحاً تشکیل نشده است، معتبر نبوده و دارای آثار قانونی نمی‌باشد. هرگونه ترتب آثار قانونی بر مجمعی که اینگونه تشکیل شده است نقض اصل حاکمیت شرکتی و حقوق سهامداران است. بنابراین تصمیم اتخاذ شده توسط این مجمع در مقابل شرکت موکل که در هیچ‌کدام از تصمیم‌گیری‌های شرکت خوانده حضور نداشته و هیچ‌کدام از تصمیمات بعدی این مجمع را تنفیذ ننموده است، قابلیت استناد ندارد. بنابراین باتوجه به مراتب یادشده بار دیگر منجزاً از هیات محترم داوران «ابطال تصمیم مجمع عمومی فوق العاده شرکت آسان سفر مبنی بر انحلال آسان سفر» تقاضا می‌گردد.

هفتم: در خصوص بند ۱۳ لایحه دفاعیه خواندگان محترم

۲۰- هرچند به موجب ماده ۱۸ قرارداد سهامداران، طی دوره پنج‌ساله سود سهام قابل برداشت نیست؛ اما این بدان معنا نیست که در طی این مدت سودی به سهام تعلق نمی‌گیرد. در واقع سهامداران به میزان سهام خود از سود خالص فعالیت شرکت به نسبت سهم خود برخوردار می‌گردند اما این میزان سهم به موجب توافق آنان تنها قابل برداشت و وصول نیست. به عبارت دیگر باید بین دو امر «تحقق و تعلق سود» و «توزیع و پرداخت سود» قائل به تفکیک شد. در طول مدت پنج سال سود محقق می‌شود و تحت تملک شرکا قرار می‌گیرد اما قابل پرداخت به آنها نیست. در پرونده حاضر شرکت محترم خوانده سود متعلق به سهام شرکت موکل را به این شرکت اختصاص نداده و بنابراین موکل از این بابت متحمل خسارت شده است. همین امر سرمایه‌گذاری خواهان در شرکت خوانده را به امر لغوی مبدل نموده که نه تنها سودی عاید وی نشده، بلکه اموال و دارایی‌های آن نیز به یغما رفته است. بنابراین لازم است نسبت به اختصاص سود به سهام خریداری شده شرکت موکل و سهامی که در نتیجه افزایش سرمایه به این شرکت تعلق می‌گیرد، اقدام مقتضی صورت گیرد. همچنین بر فرض صحت انحلال شرکت محترم آسان سفر نیز همچنان شرکت موکل مستحق دریافت سود تعلق گرفته به مجموع سهام خود می‌باشد. توضیح آنکه در فرض انحلال کلیه حقوق و تعهدات

سهامداران تصفیه می‌گردد. یکی از اقسام این دسته از حقوق، مطالبات حال شده سهامداران بابت منافع مادی سهام خود می‌باشد.

هشتم: در خصوص بند ۱۴ لایحه دفاعیه خوانندگان محترم

۲۱- خوانندگان محترم در راستای اعمال ضمانت‌اجرای ماده ۱۶ قرارداد سهامداران به ادعای عدم پرداخت مبلغ سهام خریداری شده طبق مواعد مندرج در قرارداد خرید سهم تمسک نموده‌اند. این درحالی است که ضمانت اجرای عدم پرداخت در موعد مبلغ سهام خریداری شده در ماده ۶.۳ قرارداد خرید سهم منجزاً مشخص شده و التزامی فراتر از پرداخت خسارت تاخیر تادیه نمی‌باشد. به عبارت دیگر اگر طرفین بنا داشتند ضمانت‌اجرای عدم پرداخت در موعد مبلغ قرارداد، اعمال ماده ۱۶ قرارداد سهامداران باشد، بصورت جداگانه درخصوص آن توافق مستقلی را ترتیب نمی‌دادند. بنابراین ماده ۱۶ قرارداد سهامداران ناظر بر دیگر تعهدات طرفین قرارداد می‌باشد و منصرف از تعهد به پرداخت مبلغ قرارداد در مواعد تعیین شده است. بعبارت دیگر دو ضمانت‌اجرای متعارض قابل جمع شدن با هم نمی‌باشند؛ زیرا خسارت تاخیر در تادیه ناظر بر فرضی است که خواهان می‌تواند هر دوی اجرای عین تعهد قراردادی و نیز خسارت تاخیر در ایفای این تعهدات را مطالبه نماید؛ درحالی‌که ضمانت‌اجرای مندرج در ماده ۱۶ جایگزین ایفای عین تعهد قراردادی است که به موجب آن متخلف از ایفای تعهدات قراردادی ملتزم به فروش سهام خود و خروج از شرکت است که با عمل به اصل تعهد قراردادی قابل جمع نیست. با این اوصاف هنگامیکه خوانندگان محترم به هر دوی این ضمانت‌اجراها استناد می‌نمایند قرینه دیگری بر آن است که در قصد مشترک آنان و نیز در بنای ضمنی آنها، برای دو دسته از تعهدات دو نوع مختلف ضمانت‌اجرا اندیشیده شده است که در موضوع واحد یعنی «ادعای عدم پرداخت مبلغ قرارداد در موعد» قابل جمع شدن نیستند. بدین ترتیب الزام شرکت موکل به فروش سهام خود با استناد به ماده ۱۶ قرارداد سهامداران فاقد وجهت قانونی است.

۲۲- الزام شرکت موکل به هر سه امر یادشده در بند (۱۴) لایحه دفاعیه خوانندگان (فروش سهام و خروج شرکت موکل از آسان سفر، پرداخت باقیمانده مبلغ خرید سهم، پرداخت خسارت تاخیر تادیه موضوع ماده ۶.۳ قرارداد خرید سهم) و جمع میان این سه خواسته، صرف‌نظر از اینکه دارای تعارض ذاتی با یکدیگر

هستند، بدون شک منجر به دارا شدن بلاجهت خواندگان^۳ خواهد شد؛ زیرا خواندگان محترم با تقاضای صدور حکم به شرح بند ۱۴، از یک طرف بنا دارند ابتدا موکل باقی مانده قیمت مورد معامله را بپردازد و سپس خسارت تاخیر در پرداخت این وجوه را پرداخت نماید و آنگاه از شرکت خوانده اخراج شود!! مطالبه تمام این موارد با یکدیگر علاوه بر اینکه مشمول منع داراشدن ناعادلانه می شود؛ بلکه به موجب قاعده فقهی «لاضرر و لا ضرار فی الاسلام» صراحتاً مورد نهی می باشد. بنابراین باتوجه به اینکه خواندگان محترم دعوای خود را مستند به ادله قانونی و مبانی حقوقی ننموده اند، صدور حکم بر بی حقی خواهان های دعوای تقابل مورد ادعا است.

۲۴- در خصوص خواسته خواندگان محترم مبنی بر «رد تمامی خواسته های خواهان»:

در دفاعیات ارائه شده قبلی تمام ادعاهای واهی خواندگان محترم با دفاعیات مستدل و مستندی پاسخ داده شدند. در ادامه و در پاسخ به این خواسته خواندگان محترم نیز اجمالاً بیان می گردد:

۱-۲۴- خواسته موکل مندرج در بند ۱۹ دادخواست داوری

شرکت موکل به موجب قرارداد خرید سهم، سهامدار شرکت آسان سفر شده است. بنابراین می تواند از کلیه امتیازات سهامداران این شرکت از جمله، شرکت در افزایش سرمایه برخوردار باشد. این درحالی است که سهامداران فروشنده سهم به موکل، پس از دریافت ثمن معامله به افزایش سرمایه به نسبت سهام خود -و متناسب با مطالبات خود- در مقابل ثمن پرداختی، سهام خویش را افزایش داده اند. پیوست سه دادخواست داوری ناظر بر روزنامه رسمی شماره ۲۰۲۱۲ مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۱۴ حاکی از تحقق این افزایش سرمایه است. این امر درحالی است که حقوق شرکت موکل نادیده گرفته شده است. با این اوصاف الزام شرکت محترم «آسان سفر» به اعمال سهم شرکت موکل در افزایش سرمایه در راستای اعمال یکی از بدیهی ترین حقوق یک سهامدار، مجدداً مورد تقاضا است.

³ Unjustified Enrichment

شرکت انگلیسی مدعی مالکیت اموال و دارایی شرکت آسان سفر به موجب عقد صلح (ادغام)، تابع قانون شرکت‌های تجاری انگلستان مصوب ۲۰۰۶^۱ است. طبق ماده (a) (1) 904 این قانون یکی از انواع ادغام، ادغام از طریق جذب یک شرکت تجاری موجود در شرکت تجاری موجود دیگر یا Merger by Absorption است که به موجب آن شرکت ادغام‌کننده تعهدات، اموال و مسئولیت‌های یک یا چند شرکت دیگر را اصطلاحاً در خود جذب می‌نماید. قالب حقوقی مناسب جهت نقل و انتقال اموال و دارایی‌های شرکت ادغام‌شونده در شرکت ادغام‌کننده عقود مملک است. این درحالی است که اموال شرکت موکل به عنوان آورده این شرکت که بخشی از سرمایه شرکت آسان سفر را تشکیل داده است بدون اذن و اطلاع موکل منتقل شده است. از این روی باتوجه به اینکه قانون ماهوی حاکم بر اختلاف مستنداً به مواد ۱۲ قرارداد خرید سهم و ۱۴ قرارداد سهامداران و نیز ماده ۴۲ قواعد مرکز، قانون ایران می‌باشد، این معامله از جمله معاملات فضولی مشمول فصل پنجم قانون مدنی ایران محسوب می‌گردد که با رد معامله از جانب شرکت موکل، قدر متیقن به نسبت سهم موکل قرارداد یادشده باطل و از درجه اعتبار ساقط است. بنابراین علاوه بر آنچه در پاراگراف ۱۹ بخش دوم این لایحه آمده است و به موجب آن صورت‌جلسه ادعایی مستند تصمیم‌گیری اکثریت سهامداران بر انتقال به جهت سلب فرصت و امکان تصمیم‌گیری از شرکت موکل باطل می‌باشد، قرارداد صلح حاضر نیز با اعلام رد موکل نسبت به معامله فضولی از لحظه انعقاد باطل گردیده است.

درنهایت باتوجه به اینکه خواندگان محترم دفاع شایسته‌ای در مقابل خواسته‌های قانونی موکل تدارک ندیده‌اند و صرفاً به بیان ادعاهای متعدد بلاوجه و غیرمستند اکتفا نموده‌اند، صدور حکم به شرح خواسته‌های ذکر شده در دادخواست داوری و خواسته اصلاح‌شده در لایحه حاضر از جانب هیات محترم داوری مورد استدعاست.

با تجدید مراتب احترام

گروه شماره JR984

¹. Companies Act 2006. Available at www.legislation.gov.uk/ukpga/2006/46/contents.

فهرست منابع

مشخصات منبع	مشخصات نویسنده	ردیف
دوره مقدماتی حقوق مدنی، اعمال حقوقی (قرارداد و ایقاع)، چاپ ۱۳، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷	کاتوزیان، ناصر	۱
قواعد عمومی قراردادها، جلد ۵، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰	کاتوزیان، ناصر	۲
«تعریف و ماهیت حقوقی ادغام قانونی (واقعی) شرکت‌های سهامی»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۷، شماره ۱، پاییز ۱۳۸۰	عیسایی تفرشی، محمد بیگی حبیب‌آبادی، احمد	۳
International Investment Perspectives, Freedom of Investment in the Changing World, OECD, 2007.	OECD	۴

فهرست علائم اختصاری

۱. قواعد مرکز: قواعد و آیین داورى مرکز داورى اتاق ایران
۲. لایحه: لایحه اصلاح قسمتی از مواد قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷